

Research Paper

Independent Field Development Kits of Educational Managers: Learned Lessons from In-Depth Research

Zohre Khajoueinejad¹, Mohammadreza Ahanchian^{2*}

1-PhD student in Educational Management and Human Resources Development, Shahid Beheshti University of Tehran

2-Professor, Department of Educational Management and Human Resources Development, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad

Received:2022/02/06

Accepted:2022/04/01

PP:112-128

Use your device to scan and read the article online



DOI:

10.30495/jedu.2023.28810.5777

Keywords:

managers development,
organizational culture,
democratic, bureaucratic,
educational organizations.

Abstract

Introduction: There are many efforts for managers' training and development, when these efforts did not achieve the goals for various reasons, one of their most crucial is not seeing the cultural context.

research methodology: The aim of this study was to identify the field-based learning development of educational administrators in accordance with the dominant cultural characteristics in schools, by applying a qualitative approach.

Findings: The research field was the high schools in Tehran and the participants were 20 principals and teachers who considered as main source of findings through in-depth interviews. Data analysis performed based on triple open, axial and selective coding. In whole it was found that cultural characteristics of the field of study were identified in two major bodies: "participatory" (democratic) and hierarchical or "supremacist" (bureaucratic). After analyzing the findings from the field of research based on research, in the field of democratic domination, 20 themes, 46 categories and 102 concepts and in the field of bureaucratic domination, 12 themes, 27 categories and 70 concepts were recognized.

Conclusion: The general findings showed that school is in need of a culture or context prone to the development of a democratic view in which partnership with external stakeholders is extremely important but is currently neglected, so that the supposed achievements of it can add unparalleled capacity to the position and practice of educational administration. On the other hand, the prevailing field of bureaucratic view, which was very prevalent in the field of research, has provided a platform for weakening the position of educational administration and has led to a decrease in trust between teachers, administrators and students and each other. The dominance of a democratic or bureaucratic context influence the perception and development plan of educational administrators. The marginal findings of study was formulated in the form of lessons learned from each of two situations in which there was a participatory or supremacist board in the school with an emphasis on the effect it has on the development of educational administrators.

Citation: Khajoueinejad Zohre, Ahanchian Mohammadreza(2023). Independent Field Development Kits of Educational Managers: Learned Lessons from In-Depth ResearchJournal of New Approaches in Educational Adminstration; 14(4):112-128

Corresponding author: Mohammadreza Ahanchian

Address: Professor, Department of Educational Management and Human Resources Development, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad

Email: ahanchi8@um.ac.ir

Extended Abstract

Introduction:

Changes in the economic and social environments caused the traditional approach to research centers as the producers of knowledge and research to be revised and a new approach to be configured. In this approach, the researchers are more responsible for turning their research achievements into the factors of economic growth, prosperity and society wealth and should make more attempts to transfer and employ knowledge in economic, social and industrial areas so as to be interpreted as the commercialization of research results and accepted as one of the main missions and functions of researches besides the education. Commercialization of research results refers to a set of efforts aimed at raising capital and increasing the relationship between the academic and research sector and economic and social sector. The commercialization of academic science is a multifaceted, complex process with economic, political, legal, cultural, ideological and educational dimensions, many of which are examined.

Context:

The commercialization of research has expanded in recent decades as a new approach to academic research and natural science.

Goal:

The goal of present study is explaining the Factors Affecting the Commercialization of Research in Educational Sciences.

Method:

The research approach used the kind of qualitative methodology by Content analysis, in this research,

interviews using the conceptual linkage of common features between open source code, combined concepts and concepts or concepts have been identified. The sampling method used in this research, it is a qualitative-purposeful sampling And using the theoretical saturation index 16 educational science researchers were interviewed as a sample of the research community. Their attitude and attitude towards the challenges and challenges facing the commercialization of educational science research were examined.

Findings:

Data analysis and conclusions from the research findings were used through content analysis. Then the researcher, the opinions of experts and educated people, Obtained work experience and experiences related to the research topic through semi-structured interviews this led to the development of new components for commercialization in the field of education.

Results:

The commercialization approach of research for the educational sciences can to achieve scientific competence, strengthen the scientific nature and increase understanding of public awareness as a feedback process is the result of commercializing research it promotes academic excellence in the educational sciences, and contributes to its functioning, application and effectiveness in society.

مقاله پژوهشی

بنبست‌های توسعه میدان ناوابسته مدیران آموزشی: درس آموخته‌های یک پژوهش ژرفانگر

زهره خواجهی نژاد، محمدرضا آهنچیان*

- ۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و رانشاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران
۲- استاد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و رانشاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مقدمه و هدف: برای آموزش و توسعه مدیران، کوشش‌ها و هزینه‌های زیادی می‌شود اما به دلایل متعدد که یکی از آنها، بی توجهی به ویژگی‌های فرهنگ یا زمینه فرهنگی سازمان است، این کوشش‌ها به نتایج مورد انتظار منجر نمی‌شود.

روش شناسی پژوهش: پژوهش حاضر با هدف شناسایی ویژگی‌های غالب بستر فرهنگی مدرسه که در توسعه مدیران آموزشی موثر است، انجام شد. با استفاده از رویکرد تحقیق کیفی، میدان تحقیق، مدارس متوسطه شمال غرب و جنوب شهر تهران و مشارکت کنندگان ۲۰ تن از مدیران و معلمان این مدارس، به منزله منبع اصلی دستیابی به یافته‌ها، با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته تعیین شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس کدگذاری سه گانه باز، محوری، و انتخابی انجام و اعتبارسنجی شد. در مجموع ویژگی فرهنگ وابسته میدان مطالعه در دو هیئت کلان «مشارکت‌جو» (دمکراتیک) و سلسه «مراتی» یا «تفوق طلب» (بوروکراتیک) تشخیص داده شد. پس از تحلیل یافته‌ها از میدان آموخته‌های مبتنی بر محور پژوهش در میدان دارای غلبه‌ی دمکراتیک، ۲۰ تم، ۴۶ مقوله، و ۱۰۲ مفهوم و در میدان دارای سلطه‌ی بوروکراتیک ۱۲ تم، ۲۷ مقوله و ۷۰ مفهوم به دست آمد

یافته‌ها: یافته‌های اصلی پژوهش نشان داد که مدرسه بیش از پیش نیازمند فرهنگ متناسب یا زمینه مستعد برای گسترش نگاه دمکراتیک است که در آن، مشارکت با ذی نفعان بیرونی دارای اهمیت فوق العاده بهمنحوى است که دستاوردهای مفروض برآمده از آن می‌تواند ظرفیت‌های کم‌نظیری را به جایگاه و عمل مدیریت آموزشی بیفزاید. از سوی دیگر، میدانی که در آن هیات کلان بوروکراتیک غلبه داشته باشد، و تا حد زیادی در میدان پژوهش رواج داشت، بستر تضعیف جایگاه مدیریت آموزشی و کند شدن روند توسعه آن را فراهم کرده است و به کاهش اعتماد بین معلمان، مدیران و دانشآموزان با هم و میان هم منجر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه تحقیق نشان داد در حالی که غلبه زمینه فرهنگ دمکراتیک و یا بوروکراتیک در برداشت و طرح توسعه مدیران آموزشی اثر دارد، توجه به زمینه دمکراتیک، که میدان مساعدتری برای توسعه مدیران آموزشی فراهم می‌سازد، مغفول مانده است. یافته‌های بسیط این پژوهش در قالب درس آموخته‌هایی از هر یک از دو وضعیتی که در آن «فرهنگ کلان» مشارکت‌جو (دمکراتیک) یا تفوق طلب (بوروکراتیک) در مدرسه وجود داشته است با تأکید بر اثری که بر توسعه مدیران آموزشی می‌گذارد، تنظیم شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۲

شماره صفحات: ۱۱۲-۱۲۸

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن
مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/jedu.2023.28810.5777

واژه‌های کلیدی:

توسعه مدیران، فرهنگ سازمانی،
دمکراتیک/بوروکراتیک، سازمان‌های آموزشی

استناد: خواجهی نژاد زهره، آهنچیان محمدرضا (۱۴۰۲). بنبست‌های توسعه میدان ناوابسته مدیران آموزشی: درس آموخته‌های یک پژوهش ژرفانگر. دوماهنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱۴(۴): ۱۱۲-۱۲۸.

* نویسنده مسؤول: محمدرضا آهنچیان

نشانی: استاد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و رانشاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

پست الکترونیکی: ahanchi8@um.ac.ir

مقدمه

شیوه قالب‌بندی شده و ساختارمند شناسایی و تحلیل مسایل و موضوعات مدیریتی تنها می‌تواند پاسخگوی بخشی از پرسش‌های ما درباره مدیریت آموزشی و توسعه کارگزاران شایسته برای آن باشد. همیشه موضوع «توسعه مدیران آموزشی» موضوع قابل توجه و چالش انگیزی در رابطه با وجه آزاد و برنامه ریزی نشده قلمرو دانشی رشته مدیریت آموزشی بوده است. چون قلمرو این رشته، فقط از دانش ساختارمند تشکیل نشده است، موضوع توسعه مدیران آموزشی محدود و منحصر به دریافت این دانش در شکل آموزش‌های رسمی نیست و به این سبب، توسعه مدیران، مجوز بهره‌گیری از سایر منابع دانش را در اختیار دارد.

هر چند از نگاه صاحب نظران، توسعه مدیریت آموزشی فراهم زمینه و شرایط برای بهبود عملکرد مدیران به نحوی است که در نتیجه آن، مدرسه اثربخش‌تر عمل کند (Bush, 2018)، یا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتقا یابد (Yong, 2023)، اما این امر در یک میدان یا زمینه واحد یا در مدرسه‌هایی با ویژگی‌های یکسان رخ نمی‌دهد و در نتیجه پرسش‌های ما درباره توسعه مدیریت آموزشی، پیچیده‌تر می‌شود و به سادگی قابل پاسخگویی نیست.

مدیران آموزشی باید از نقش‌ها و مسوولیت‌های جدید خود آگاه باشند، آنها را درک کنند و پذیرند و سرانجام در آن‌ها معنا پیدا کنند. در این مرحله، آنها به عنوان یک قطب‌نمای قابل اطمینان در میدانی عمل می‌کنند که به شدت و به طور مداوم تغییر می‌کند، که این تغییرات، ممکن است به بسیاری از ناسازگاری‌ها و عدم قطعیت‌ها در میان کارکنان منجر شود. در چنین شرایطی، دیدگاه وابسته به میدان، به طور فزاینده‌ای در تحقیقات معاصر مدیریت آموزشی و توسعه و آماده‌سازی مدیران، مورد توجه قرار می‌گیرد (Lewis and Kanji, 2020; Hollinger, 2018). این ادعا که مدیران آموزشی در فرایند توسعه، برای تشخیص فرصت‌های بهینه‌ی بهدست آمده در چارچوب تجارت مدیریتی و درک مؤثرترین فرایندها توان محدودی دارند (Schleicher, 2012). به استناد یک فرض منطقی فرایند توسعه مدیران با محوریت «مدیران آموزشی عملکرد مدیریتی مدیران فراهم می‌کند» (Belias, 2014). به استناد یک نیز بدن تووجه به زمینه سازمانی که در آن مشغول به کار هستند، موضوعی کم‌ثمر، انتزاعی و کلی‌گویی است. هرچه تحلیل ما درباره توسعه مدیران آموزشی، از انتزاع و کلی‌گرایی مبتتنی بر دانش قطعی ساختارمند به سمت درک میدان و به سمت واقعیت‌های چندگانه و پیچیده زمینه‌ای باشد که مدیران در آن کار می‌کنند احتمال دستیابی به نتیجه مورد انتظار بیشتر است. نه فقط مدیران که سایر منابع انسانی مدرسه شامل معلمان نیز بدون توجه به فرهنگ سازمانی نمی‌توانند در فرایند اثربخشی از توسعه و بهسازی قرار بگیرند (McChesney & Cross, 2023).

مدیران آموزشی همیشه با چالشی به نام مدیریت فرهنگ مدرسه دست و پنجه نرم می‌کنند، در حالی که این چالش مستقیماً بر تحقق هدف‌های مدرسه مؤثر است (Medford & Brown, 2022). با وجود تفاوت در زمینه‌ای که هر مدیر در آن کار می‌کند مدیران آموزشی باید بتوانند هر روز در سطح بالاتری عمل کنند. فقط با به میان کشیدن و پذیرش نقش «میدان» در توسعه مدیران آموزشی می‌توان انتظار داشت که برنامه‌های توسعه آنان به گونه‌ای باشد که مدیران را قادر سازد نیازهای دانشی، مهارتی و نگرشی مربوط به شغل شان را به دست آورند، بهفهمند، و به کار گیرند (Larry, 2006).

میدان-وابستگی توسعه مدیران آموزشی بروز کنش‌های نه کاملاً یکسان و حتی متفاوت در برابر رخدادها و در قبال مسوولیت‌های اصلی که برای آنها مشخص شده است را از یک بستر فرهنگی به بستر دیگر امری طبیعی می‌داند. ثمربخش‌ترین کارکردهای مدیریتی هنگامی به دست می‌آید که مدیران برای آن به درستی آماده شده و توسعه یافته باشند که این نتیجه بدن تووجه به ویژگی‌های زمینه فرهنگی یا میدان کار مدیران دشوار و یا ناشدنی است. بر اساس یک ادعای دیرپا و نافذ، تمامی جنبه‌های مرتبط به میدان را، کلیت محیطی و ادراکات، اندیشه‌ها و احساسات پذیرفته شده در سازمان و در یک کلام فرهنگ سازمانی نیز تعریف فرهنگ سازمانی، در مطالعه‌ای که هدف محوری آن شناخت فرهنگ سازمانی نیست را می‌توان با مراجعه به نشان‌گان آن در طبقه‌بندی‌های بزرگ و رایج کاهش داد. از جمله این طبقه‌بندی‌ها که در این پژوهش با عنوان «هیئت کلان» نامگذاری شده است می‌توان به طبقه‌بندی Kevin اشاره کرد^۱ (Parker, 1999). فارغ از مناقشه‌ها بر سر مفهوم فرهنگ سازمانی و پیچیدگی شناخت آن، مقاله حاضر با این برداشت همراه است که

۱) کوین چهار طبقه یا هیئت برای فرهنگ سازمانی نام می‌برد؛ ۱) فرهنگ بازار، شکلی از بازار ارائه می‌دهد و عبارت بازار به معنی وظایف بازاریابی یا وجود مصرف‌کنندگان در محل کار نیست. بلکه نوعی سازمان را نشان می‌دهد که وظایفی در درون خود همانند یک بازار دارد.

* فرهنگ جمع طلب یا مشارکتی؛ مفروضات بنیادین این فرهنگ؛ نوآوری، ابداع، ابتکار و پیشگامی هستند که سازمان‌ها با تدارک خدمات و محصولات جدید آتی از طریق آنها به موفقیت دست می‌یابند.

* فرهنگ طایقه‌ای؛ بهجای رویه‌ها و قوانین سلسله مراتب یا مراکز بازاری مزیت‌های رقابتی، ویژگی‌های فرهنگ قومی یعنی کار گروهی، برنامه‌های مشارکت کارکنان، تعهد سازمانی وجود دارد، گروههای کاری بر اساس عملکرد گروهی (نه فردی) پاداش دریافت می‌کنند.

فرهنگ سازمانی به شکل‌گیری نظام توسعه مدیریت، کمک می‌کند و از طریق ترویج نگاه مثبت به این توسعه، ملزمات ظهور محیط یا میدانی را فراهم می‌کند که در آن اقدامات مستمر برای توسعه مدیران تشویق می‌شود و مورد حمایت قرار می‌گیرد (Warrick, 2017). مرور تحقیقات نشان می‌دهد تأثیر فرنگ سازمانی در پیشبرد برنامه‌ها و هدایت سازمان آموزشی به سوی هدف‌ها، از جمله توسعه مدیریت، معنی‌دار و جدی است (Thanomwan & Ngang, 2017؛ Sumproch, 2019).

پیش‌فرض پژوهش حاضر آن است که توسعه مدیران آموزشی بدون توجه به «زمینه فرنگی» یا بدون ملاحظه «فرهنگ سازمانی» با چالش «اثربخش بودن» رو به رو خواهد شد. پژوهشگران مدیریت آموزشی به هر دلیل تاکنون کمتر این فرصت را به خود داده‌اند تا مستله بالهمیت و چالش‌انگیز توسعه مدیران آموزشی را در انطباق با زمینه فرنگی که مدیران باید برای آن آماده شوند مطالعه کنند. هر زمینه در قالب مفهومی «هیئت کلان» فرنگی، ویژگی‌هایی را داراست که بر همه برنامه‌ها، فرایندها، فعالیت‌ها و دستاوردها اثر می‌گذارد. از این رو نقطه کانونی پژوهش حاضر شناسایی ویژگی‌های میدان یا زمینه‌ای است که ممکن است در قالب ویژگی‌های هیئت‌های کلان فرنگ سازمانی بر توسعه مدیران آموزشی اثر بگذارد. در پژوهش حاضر، این ویژگی‌ها که ذیل طبقه‌ها یا هیئت‌های کلان از میدان به دست می‌آیند، از طریق مطالعه توسعه مدیران آموزشی منطبق با بستر فرنگی سازمان در آموزش و پژوهش شهر تهران، به صورت درس‌هایی معرفی می‌شوند که می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران و مدیران توسعه منابع انسانی قرار گیرد.

دو پرسش اصلی پژوهش به این صورت مطرح شده است:

- ۱- میدان-آموخته‌های فرایند تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با فرنگ سازمانی بوروکراتیک چیست؟
- ۲- میدان-آموخته‌های فرایند تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با فرنگ سازمانی مشارکتی چیست؟

روش شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر از روش مطالعه موردي برای شناخت بهتر بستر فرنگ سازمانی مناسب با ایجاد برنامه‌های توسعه‌ی مدیریت آموزشی استفاده شده است. دلیل انتخاب روش موردي، میدان-وابستگی موضوع تحقیق بود؛ زیرا موضوعاتی برای تحقیق موردي مناسب هستند که جدا ساختن آن‌ها از زمینه ناممکن یا دشوار باشد. برای شناسایی مشارکت کنندگان، دو منطقه ۵ و ۱۱ آموزش و پژوهش شهر تهران با بافت‌های فرنگی متفاوت، انتخاب و در هر منطقه، دو مدرسه مقطع متوسطه به صورت هدفمند برگزیده گردید. سرانجام، ۲۰ مشارکت کننده شامل پنج مدیر و چهار معلم از منطقه ۵ و شش مدیر و پنج معلم از منطقه ۱۱، به روش گلوله برفی، انتخاب شدند. «مدیر»، در این جا مدیریت و معاونت‌های مدرسه را شامل می‌شد. از ۲۰ مشارکت کننده، سیزده زن و هفت مرد؛ یازده مدیر و نه معلم بودند. اسامی مدارس متوسطه، منطقه آموزش و پژوهش و محله مدارسی که مشارکت کنندگان از میان آنان انتخاب شدند در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مدارس منتخب نواحی ۵ و ۱۱ آموزش و پژوهش تهران

منطقه	مدرسه	محله
۱۱	دیارستان آین اسلام	منیریه
	دیارستان علامه مجلسی	ولیصر
۵	دیارستان جابر ابن حیان	شهرک اکباتان
	دیارستان بنت الهادی صدر	آیت الله کاشانی

دلیل انتخاب معلمان، کمک به ساخته شدن تصویر کامل بافت مدرسه، به کمک عناصر انسانی اصلی تشکیل دهنده مدرسه بود. جمع‌آوری اطلاعات به دو روش مصاحبه و مشاهده انجام شد. از بین انواع متعارف مصاحبه (ساختار یافته، نیمه ساختار یافته و ساختار نیافته) از روش نیمه ساختار یافته، استفاده شد. در این روش پژوهشگر فهرستی از موضوعات کلیدی و مرتبط با هدف‌های تحقیق را با محوریت انطباق برنامه‌های توسعه مدیریت آموزشی با فرنگ سازمانی برای اجرای هر مصاحبه تهیه نمود. هر مصاحبه با محوریت یک موضوع آغاز و تا پژوهش کامل موضوعات، در بازه زمانی بین ۴۰ تا ۸۵ دقیقه، ادامه می‌یافتد. مصاحبه با مراعات کامل ملاحظات اخلاقی پژوهش انجام شد. مصاحبه‌ها ضبط؛ هر یک به صورت جداگانه بر روی کاغذ پیاده؛ و از طریق بازخوانی، فرایند کدگذاری آنها طی می‌شوند. در این پژوهش، «مشاهده»، یک ابزار تکمیلی برای اطلاعات به دست آمده از مصاحبه در نظر گرفته شد. پژوهشگر به کمک مشاهده نشانگان زمینه فرنگی، می‌توانست به شناخت دقیقت‌تری از «میدان»، دست یابد. رسالت مهم مشاهده در پژوهش حاضر، پی بردن به تأثیر متقابل میدان یا بستر فرنگی و برنامه‌های توسعه مدیریتی شکل گرفته در مدرسه بود.

* فرنگ سلسله مراتی یا بوروکراتیک: خطوط روشن تصمیم‌گیری، قوانین و رویه‌های استاندارد شده، مکانیزم‌های کنترل و حسابرسی به عنوان عوامل کلیدی این فرنگ شناخته می‌شوند.

در جریان کدگذاری، داده‌ها به واحدهای کوچک‌تر تجزیه و شکسته شدند. سه نوع کدگذاری «باز»، «محوری» و «انتخابی» شکل گرفت. در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجازی تجزیه و ارزیابی شدند. در کدگذاری محوری، مفاهیمی که در کدگذاری باز شناسایی و تجزیه شده بودند بر حسب ارتباط مفهومی، با یکدیگر ترکیب و از نو خلق شدند. در کدگذاری محوری، پس از مشخص شدن چگونگی ارتباط یک مفهوم با مفاهیم دیگر، شرایط، زمینه‌ها، راهبردهای اقدام، و نتایج مفروض آن به دقت بررسی شد. در کدگذاری انتخابی، مولفه‌هایی که برای ساختن چارچوب نظری اولیه تنظیم شده‌اند به هم پیوند خورده و مقوله‌ها را شکل دادند.

اعتبار یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، به منظور حصول اطمینان از اعتبار داده‌ها و نتایج، مفاهیم و مقولات شناسایی و خلق شده، و همچنین نامگذاری آن‌ها مورد بررسی و بازبینی‌های مکرر قرار گرفت. محققان به صورت طولانی، در میدان درگیر و به مشاهده‌ی مداوم و چندجانبه داده‌ها و یافته‌ها پرداختند. هم چنین یافته‌ها، در اختیار ۳ تن از مشارکت کنندگانی که در مراحل قبلی خبرگی و علاقه‌مندی خود را نشان داده بودند، گذاشته شد و معنی‌دار بودن مفهومی و نتایج آن‌ها با واقعیت‌های مدیریت آموزشی در بستر فرهنگی مدارس، مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌ها

پیش فرض مطالعه حاضر این است که اگر توسعه مدیران آموزشی بدون توجه به میدان و زمینه‌ای که در آن مشغول به کار هستند انجام شود، فرایند تهیه و اجرای برنامه توسعه، به دور از واقعیت انجام شده است و از آن، نتیجه مورد انتظار به دست نمی‌آید. بر اساس آن چه در مرور پیشینه ذکر شد میدان-وابستگی برنامه‌های توسعه مدیران به طور کلی و مدیران آموزشی به طور خاص در عمل مورد توجه قرار نمی‌گیرد و شاید به همین دلیل، در مطالعات رشته هم به شکل باورنکردنی خفیف مورد توجه بوده است. میدان-وابستگی پیش از هر چیز، فرهنگ سازمانی را به ذهن مبتادر می‌کند هرچند شناسایی فرهنگ سازمانی، چندان آسان نیست.

در فرایند کوشش نظامدار و روش‌مند برای پاسخ به سوالات پژوهش، ابتدا، نشانه‌های فضای فیزیکی و تعاملاتی مدارسی که دارای مدیریت آموزشی مشارکتی و یا بوروکراتیک هستند مشخص شده‌اند. این یافته‌ها، حاصل مشاهده پژوهشگران است. دقت در نشانگان شناسایی شده مشخص کرد که در مدارس دارای فرهنگ سازمانی بوروکراتیک، فضای فیزیکی و تعاملاتی، برای فعالیت مشترک و تقویت روحیه جمعی مناسب نیست؛ بدین معنی که روابط بین مدیر و معلم و داشن آموزان کاملاً رسمی است، اما فضای مدارس، در فرهنگ سازمانی دمکراتیک، مساعد روابط غیررسمی و مهیای کارهای گروهی و مشترک آموزشی است. علاوه بر این، مشخص شد که با توجه به اهمیت ظرفیت و استعداد «میدان» در تسهیل یادگیری محیطی، فضای مدارس دارای فرهنگ مشارکتی، برای توسعه مدیران، مناسب و آماده‌تر است.

جدول ۲- مفاهیم استخراج شده از فضای فیزیکی و تعاملاتی مدارس با فرهنگ سازمانی بوروکراتیک و مشارکتی

نشانگان مدرسه با فرهنگ سازمانی بوروکراتیک	نشانگان مدرسه با فرهنگ سازمانی مشارکتی
نورپردازی مناسب	نورپردازی ضعیف
وجود کارگاه و آزمایشگاه	پرده‌های نامتناسب با فضای مدرسه
وجود سالن سخنرانی یا همایش	معماری زاویه‌دار تند
داشتن کتابخانه	سرمیس بهداشتی بدون مراعات استاندارد
داشتن سالن سمعی بصیری	نیود سرویس بهداشتی برای داشن آموزان معلول
داشتن سالن امتحانات	نیود سرویس بهداشتی جدایانه برای معلمان
داشتن سرویس‌های بهداشتی مجزا برای معلمان	صندرلر های خشک
داشتن زمین و سالن ورزشی	نقاشی‌های کلیشه‌ای در محیط مدرسه
وجود اتاق‌های مشاوره تحصیلی	عدم توجه به معماری داخلی کلاس‌ها
وجود بخش سرایداری مجزا	در نظر نگرفتن تسهیلات ویژه داشن آموزان معلول
ترکیب ورودی با فضای سبز	آبخوری‌های فاقد استاندارد بهداشتی
ورودی بزرگ و بدون پله	نادیده گرفتن فضای سبز در حیاط بزرگ مدرسه
محل ورود و خروج مشخص شده	نیود فضای ورزش
داشتن حیاط کوچک برای قدم زدن و استفاده داشن آموزان از چاشت	راه روی طوبی
وجود حیاط بزرگ مجزا برای فعالیت‌های تربیت بدنی	فسرددگی جمعیت داشن آموزی در کلاس‌های درس
داشتن دفتر مشاوره	نیود پرده در دفتر مدرسه
وجود اتاق تکثیر	میزهای گرد گرفته فضاهای اداری و آموزشی
بزرگ بودن دفتر مدارس	برخورد فیزیکی داشن آموزان در راه رو هنگام دویدن در خم موجود در راه رو
در نظر گرفتن میزهای کادر دفتری به صورت مجزا برای هر فرد مسئول	فاصله زیاد دفتر مدرسه از کلاس‌ها

وجود صندلی های استاندارد برای معلمان و مدیر	چیده شدن ردیفی صندلی ها
وجود تخته هوشمند در هر کلاس	هر کلاس فقط دارای یک تخته وایت برد و فایل است
وجود چارت سازمانی بر روی دیوار دفتر مدرسه	نیواد امکانات آموزشی زیاد
صندلی های کوچک زیرپایی برای جلوی پای کادر دفتری	عدم وجود کارهای انجام شده از سوی دانش آموزان در کلاس
نصب کارهای انجام شده توسط دانش آموزان در کلاس	نیواد سیستم گرمایشی در کلاس ها
باز بودن فضاهای ارتیاطی و راه روها	نیواد سیستم سرمایشی در کلاس ها
نور گیری طبیعی فضاهای بسته مدرسه	عدم وجود فضاهای آموزشی مجزا برای آزمایش یا کارگاه
چند عملکردی بودن فضا	کمبود منابع کمک آموزشی
استفاده از رنگ های جذاب و نشاط آور	عدم توجه به حقوق دانش آموزان خاص در معماری بناهای آموزشی
شكل هندسی مناسب کلاس های درس	نیواد دیوار مناسب بین کلاس های درس که صدای کلاس ها مزاحم یکدیگر
متفاوت بودن ابعاد کلاس ها	نشود
دیوارهای سنگ پوش	
وجود فضای مجزا برای فعالیت های گروهی	
وجود قفسه کتاب در کلاس	
امکان چیدمان گروهی صندلی ها در کلاس درس	
قرار گرفتن سرویس های بهداشتی در انتهای حیاط مدرسه	
وجود سرویس های بهداشتی ویژه برای معلمان در سالن مدرسه	
طراحی حیاط پویا براساس بخشش نامه های آموزش و پژوهش	

در این پژوهش وجه غالب فرهنگ مدرسه در دو هیئت کلی مشارکتی (دموکراتیک) و غیر مشارکتی (بوروکراتیک) شناسایی، و جنبه هایی از هر کدام از این دو هیأت، با ملاحظه رفتارهای رایج در مدرسه کشف شد. جنبه های شناسایی شده، به شکل درس آموخته بیان شد تا قابلیت بهره برداری آن برای مدیران منابع انسانی متولی امر در سازمان های آموزشی، آسان تر باشد. اگر در تنظیم برنامه توسعه مدیران آموزشی فقط وجه افزایش دانش نظری به ویژه در هدف گذاری و تهیه محتوا تأکید شده باشد و توسعه مدیران بدون آگاهی و شناخت دقیق میدان یا زمینه ای که مدیران در آن عمل خواهند کرد صورت پذیرد، اثربخشی هر برنامه توسعه، شانس کمتری برای موفقیت دارد.

جدول ۳ - مفاهیم استخراجی از میدان آموخته های توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با فرهنگ سازمانی دموکراتیک و بوروکراتیک

مفاهیم استخراجی از میدان آموخته توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با فرهنگ سازمانی دموکراتیک	مفاهیم استخراجی از میدان آموخته توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با فرهنگ سازمانی بوروکراتیک
روحیه همکاری	۱
مشارکت دادن معلمان در تصمیم گیری های مرتبط با سازمان آموزشی	۲
وجود زمینه مشارکت در امور آموزشی	۳
اعتماد و اقدام به مشارکت	۴
کیفیت مهارت در مشارکت	۵
تفکر و تأمل مدیر و معلمان در مشارکت	۶
تجربه و آشایی با مشارکت در مدیریت آموزشی	۷
انگیزه مشارکت و کیفیت آن در اعضا سازمان آموزشی	۸
میزان توجه به نظام مدیریتی مدیران آموزشگاهی	۹
میزان توجه نظام مدیریتی به نظرات معلمان	۱۰
نگاه مدیر به مشارکت در امور مرتبط با مدیریت آموزشی	۱۱
انسجام در انتظامات و قواعد مرتبط با امور مدیریتی در آموزشی	۱۲
وجود و کیفیت فرهنگ نقدی پذیری در سازمان آموزشی	۱۳
وجود و کیفیت ناآوری و ابتکار فردی معلمان در آموزش	۱۴
مسئلوبت پذیری مدیر معلم در امور مدرسه	۱۵
باور به مؤثر بودن مشارکت در امور سازمان آموزشی در مدیران و معلمان	۱۶
وجود تعامل همه جانبی و فضای صمیمانه در سازمان آموزشی	۱۷
مشارکت دادن حداکثری معلمان و دانش آموزان در کارهای مدرسه	۱۸
تأمیر پذیری غیررسمی دانش آموزان از معلم و برنامه های مدرسه	۱۹
نظام نظارت اثربخش همگانی در سازمان آموزشی	۲۰

در چارچوب تعیین شده مقاله، ۸ مورد از مهم ترین این درس آموخته ها ذیل هیئت کلان مرتبط با ویژگی غالب بستر دمکراتیک در ۵ مورد و بستر بوروکراتیک در ۳ مورد، تحلیل شده است.

الف- میدان-آموخته های توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با بستر سازمانی دمکراتیک یا مشارکتی

در مدرسه یا میدانی که در آن هیئت کلان مشارکتی یا دمکراتیک غالب است و معلمان و مدیران، این وجه را دریافته اند، ویژگی هایی وجود دارد که در این بخش، ضمن بازگویی آن، تحلیل کاربرد هر ویژگی در توسعه مدیران آموزشی نیز به صورت درس آموخته های برگرفته از میدان ارایه می شود.

۱- روحیه گروهی

وجود روحیه گروهی زمینه لازم، برای توسعه رهبری است (Ahanchian, 2020). در کنار دو عنصر «دانش» و «افراد»، وجود روحیه گروهی، در تحقق امور آموزشی مؤثر است. تحقق امور آموزش، مستلزم اراده منابع انسانی برای مرتفع ساختن مسائل آموزشی و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان است. در روحیه گروهی جنبه های رفتاری زیر وجود دارد که توجه به آن ها در توسعه مدیران کلیدی است:

۱-۱- کار تیمی

مشارکت کنندگان اعتقاد داشتند که همکاری در تیم، ظرفیت های آموزشی و خلاقیت های فردی آنان را تقویت می کند: آن ها درک مستقیمی از وجود همکاری در قالب تیم در مدرسه خود داشتند. مشارکت کنندگان در این مورد می گوید: "در برگزاری جلسات اولیا و مرتبان قبل از برگزاری جلسات هیچ گونه برنامه ریزی یا همکاری وجود ندارد. خب باید کارهای گروهی برای اجرای این گونه جلسات وجود داشته باشد."

۱-۲- همکاری بین مدیر-معلم در اجرای برنامه ها

تجربه مشارکت کنندگان نشان می داد که وقتی مدیر-معلم هم دیگر را به صورت رقیب می بینند هرگونه همکاری بین آن ها لطمه می بیند و این جو به اجتماع مدرسه ای و حتی به دانش آموزان هم سرایت می کند. نظر یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه چنین بود: "خب ببینید مدارس برای دانش آموزان برنامه های فوق آموزشی می گذارد، متساقنه معلمان با مدیر در این برنامه ها همکاری نمی کنند؛ چون معلمان بهتر می دانند که چه نوع فعالیت فوق آموزشی برای دانش آموزان مفید واقع خواهد شد."

درس آموخته یک؛ برنامه توسعه مدیران آموزشی نیازمند توجه به:

- (۱) جایگاه و اهمیت ایجاد، تقویت و بهبود مستمر روحیه گروهی و روش های اجرای آن در مدارس است؛
- (۲) تیم سازی و فراهم ساختن زمینه تشکیل و فعالیت تیم هایی در دل مدرسه در سطوح مختلف دانش آموزی تا معلمان و سایر منابع انسانی مدرسه است؛ و
- (۳) ایجاد نگرش مثبت مدیر به فهم خلق زمینه تحقیق یادگیری اثربخش از طریق روحیه جمعی و کار تیمی است.

۲- اراده برای مشارکت

مشارکت کنندگان براین باور بودند، در مدرسه ای که با نوعی تک روی در تصمیم گیری مواجه اند، اراده جدی برای مشارکت از سوی آن ها وجود ندارد و این در ترتیجی عدم تعریف زمینه مناسب برای مشارکت در بستر فرهنگی مدرسه است. مشارکت کنندگان این گونه بیان کردند: "بیشتر معلمان ما میل مشارکت جهت همکاری را ندارند... این که با مدیریت همکاری داشته باشند در مسائل آموزشی، در مسائل پرورشی، من کمتر دیده ام، معلمان اگر بخواهند همکاری کنند باید عزم جدی داشته باشند نه این که فقط حرف بزنند باید در عمل نشان بدھند."

۲-۱- کیفیت آگاهی به مزایای مشارکت

در پاره ای از موارد مشارکت کنندگان از مزایای مشارکت آگاه نیستند. این موضوع سبب می شود که برای بهبود وضعیت جاری، مشارکتی صورت نگیرد. البته آن ها درک مشخصی از این که مشارکت بر بستر واکذاری و تقسیم وظایف صورت می گیرد دارند. یکی از مشارکت کنندگان در این باره اظهار داشت: "معلمان ما در مورد مشارکت در برنامه ریزی های درسی آگاهی ندارند اگر بدانند که مشارکت آنان در این برنامه ریزی ها چقدر مؤثر خواهد بود و چه تأثیرات مثبتی هم بر خود آن ها و هم بر دانش آموزان دارد به نظرم نسبت به مشارکت رغبت زیادی خواهند داشت."

۲-۲- اعتماد و اقدام به مشارکت

تجربه مشارکت کنندگان نشان می دهد که اعتماد به فعالیت های آموزشی می تواند زمینه مشارکت و فرهنگ مشارکت را تقویت کند. وجود اعتماد زمینه لازم برای همکاری و بسیاری از خلاقیت های آموزشی که یکی از لازمه های توسعه مدیریت آموزشی می باشد را فراهم می کند.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: "برخی اوقات «اعتماد بیش از حد» مشکل آفرین است. مثلاً معلمان ما به علت اعتماد بیش از حد خود به مدیران دچار این احساس می‌شوند که آن‌ها نیاز به مشارکت ندارند و مدیر کافی است تا در مورد تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های ریزی خود به تنهایی عمل کند؛ مدیران ما نباید اجازه دهند که این اعتماد بیش از حد شکل بگیرد. از طرفی مورد دیگری که وجود دارد برخلاف اینکه معلمان اعتماد بیش از حد به مدیران دارند، برخی مدیران ما به معلمان اعتمادی ندارند و این بی اعتمادی باعث می‌شود که آنان در هیچ جلسه‌ای، ... [در] هیچ تصمیم‌گیری مشارکت داده نشوند که این هم باز مشکلات خود را به همراه دارد."

۲-۳- انگیزه مشارکت و کیفیت آن در اعضای سازمان آموزشی

انگیزه، محرك ورود به هر فعالیتی است. از نگاه مشارکت کنندگان دغدغه‌های مدیران و معلمان می‌تواند انگیزه‌های مشارکت در امور آموزشی را تعیین کند که خود توسعه مدیریت آموزشی را به دنبال دارد. عدم تأمین نیازهای ذی نفعان، زمینه مشارکت را کاهش می‌دهد. نظر مشارکت کنندگان در این باره بدین صورت است: "برخی از مدیران ما اعتقاد دارند که اکثر معلمان هیچ تمایلی به مشارکت از خود نشان نمی‌دهند تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، برنامه‌ریزی‌های تحصیلی و غیره! نمی‌دانم فکر می‌کنم که آن‌ها انگیزه برای شرکت در جلسات ندارند؛ در واقع بی انگیزه هستند. نمی‌خواهند در زمینه ارائه برنامه‌های آموزشی شرکت کنند... فکر کنم احساس می‌کنند این مشارکت‌ها تأثیری در تصمیم‌گیری‌ها نداشته باشد".

درس آموخته دو؛ برنامه موثر توسعه مدیران آموزشی نیازمند:

(۱) سبک تصمیم‌گیری مشارکتی است؛

(۲) تمرکز بر عملکرد شغلی فعلی فرد به عنوان راهی برای ارتقای عملکرد شغلی است که از آن، «انگیزه» نتیجه می‌شود.

(۳) ایجاد سیستم رشد و توسعه رسمی در مدرسه است که حرکت به سمت فرایندهای توسعه مدیریتی را ترغیب می‌کند.

(۴) گام برداشتن مدیران مدارس در زمان مساعد و با روشنی است که اعتماد افراد جلب شود در مسیر بهینه سازی توانایی‌ها گام بردارند.

۳- وحدت نظر در برابر اختلاف نظر

بنا به تجربه‌ی مشارکت کنندگان یکی از مواردی که می‌تواند مانع وحدت نظر شود، تصمیم‌گیری مدیر مدرسه در امور آموزشی بدون مشارکت، است. اختلاف نظر در کارکردها و حدود وظایف مدیریت آموزشی و نیز نوع و زمینه‌های مشارکت خانه و مدرسه در جلب مشارکت توسط معلمان و مدیران خلل ایجاد و انتظام امور آموزشی را تهدید می‌کند. منظور از انتظام آن است که قواعدی بر امور مدیریت آموزشی حاکم شود که آن را از تصادفی بودن برهاند (Ahanchian, 2014). اختلاف نظر بیش از حد، و نبود سازوکارهای مدیریتی تعارض می‌تواند به مشارکت و همکاری آسیب رساند. مدیر باید بتواند بهترین راه را برای وحدت نظر و انتظام بخشی به فعالیت‌های متنوع سازمانی، انتخاب و اجرایی کند. شایان توجه است تنوع آراء و نظرات معادل اختلاف نظر نیست. اختلاف نظر باید به نحوی مدیریت شود که پیش از تبدیل شدن به تنش، فضای همکاری را در مدرسه تیره و تار نکند.

مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید: "در تنظیم برنامه‌های آموزشی بعد از اینکه مدیر و معلمان نظرات خود را در مورد برنامه‌ها بیان می‌کنند تضادی وجود دارد که نشان دهنده مخالفت زیاد با نظرات است... هماهنگی بین نظرات وجود ندارد... و در مورد اجرای برنامه‌های درسی نظرات متفاوت می‌باشد... و این خود باعث به وجود آمدن اختلاف نظر می‌شود که باعث عدم اتحاد و هماهنگی میان اعضا می‌شود". در بستر فرهنگی مدرسه که در آن افراد دارای آراء و نظرات متنوع هستند ولی برای رسیدن به وحدت نظر، کوشش می‌کنند، میدان مساعدی برای توسعه مدیریت شکل خواهد گرفت.

درس آموخته سه؛ برنامه توسعه مدیران آموزشی نیازمند توجه به:

(۱) اقداماتی سازمان یافته و منظم است که سبب حمایت از آنچه مدرسه، آن را فرایند رشد و توسعه می‌نماید، می‌شود؛

(۲) توانایی برنامه‌ریزی از قبل؛ توان ارائه بازخورد مستقیم و صریح است؛

(۳) توان و ظرفیت درک مشترک است.

۴- کیفیت نوآوری و ابتکار فردی در آموزش

مدیران می‌آموزند با شرایط کنار یابی‌نده و برای این کار از هوش خود و استعداد منابع انسانی سازمان بهره می‌جوینند. هدف اصلی باید افزایش میزان شایستگی‌های فراتر از مهارت، هوش و ذکاوت توسط تمامی افراد شرکت کننده در فرایند یادگیری باشد. به کمک ابتکار عمل و نوآوری تصویر توسعه متوازنی از مدیران آموزشی خلق می‌شود که هم از پیچیدگی و هم از سادگی بیش از اندازه دور باشد. در مدرسه فاقد چارچوب‌های قالب پذیرفته شده، جنبه‌های رفتاری زیر وجود دارد که توجه به آن‌ها در توسعه مدیران کلیدی است:

۱-۴- توجه به نوآوری در آموزش

ساختار یادگیری قالبی پذیرفته شده، توجه به نوآوری در ابعاد مختلف آموزش را کم می کند. مشارکت کننده ای در این باره می گوید: "امروزه اکثر معلمان ما در جهت نوآوری های آموزشی تلاش زیادی می کنند و روش های جدیدی در تدریس و ارائه برنامه های آموزشی دارند. اما متاسفانه توجه خوبی کمی به این خلاصه ها می شود، آن ها همچنین راه حل هایی را برای برای روش های آموزشی ارائه می دهند که بسیار هم کاربردی می توانند باشد اما از سوی برخی مدیران این راه حل ها پذیرفته نمی شود."

۲-۴- آزادی و استقلال در نوآوری آموزشی

ادراک شکل گرفته در تجربیات مشارکت کننده ای نشان دهنده این است که، آزادی و استقلال در پیشبرد اهداف آموزشی مؤثر است؛ دارا بودن اختیار بیشتر در امور آموزشی مدرسه کمک خواهد کرد تا با انگیزه بیشتری فعالیت کنند و عملکردهای گروهی یا فردی را بهینه کنند. در این رابطه یکی از مشارکت کننده ای می گوید: "من به عنوان یک مدیر عقیده دارم معلمی که تجربه تدریس زیادی دارد و در تدریس های قبلی موفق بوده است، باید در روش انتخاب تدریس آزاد باشد و با توجه به سن و توانایی دانش آموز روش تدریس را انتخاب کند. معلمان از یک روش مشابه در تدریس محتوا استفاده می کنند ولی به نظر من این درست نیست! معلم باید در انتخاب روش تدریس خود آزاد باشد."

درس آموخته چهار؛ برنامه توسعه مدیران آموزشی نیازمند توجه به موارد زیر است:

- (۱) فرایندهای جاری مدرسه که زمینه ایجاد ترس از اشتیاق در افراد را ایجاد نکند زمینه یادگیری از تجربیات را فراهم می کند.
- (۲) عدم پذیرفته شده در امور آموزشی، توان تشخیص فرصت های نو در چهارچوب فعالیت ها را ایجاد می کند.
- (۳) توانایی عمل به عنوان الگوی مناسب نشان می دهد چگونه می توان از طرز کار و رفتار و فرایندهای پیرامون شغل چیزهایی آموخت.

۵- اثرباری دانش آموزان از رفتار منابع انسانی مدرسه

آخرین درس آموخته به دست آمده از هیئت کلان دمکراتیک، تاثیرپذیری دانش آموزان از منابع انسانی در گیر در اجرای برنامه های آموزشی مدرسه است. این امر بدیهی است که همه آموزش های مدرسه، رسمی و هدفمند نیست زیرا، یادگیری دانش آموزان می تواند، آگاهانه و یا ناگاهانه از افرادی صورت بگیرد که در جایگاه الگو تعریف شده اند. در مدرسه، برنامه های آموزشی و فعالیت های خاصی که عوامل آموزشی از طریق مشارکت درگیر آن هستند، نیروی اثربار قوی تری در دانش آموزان برای احساس نیاز به رشد و یادگیری دارد. همچنین رفتارهای متأثر از قانونمندی توأم با صمیمیت، اثرباری بیشتری خواهد داشت. در چنین فضایی، توسعه مدیران آموزشی با اطمینان بیشتری رخ خواهد داد.

۱-۵- جلب اعتماد دانش آموزان

از دیدگاه مشارکت کننده ای دانش آموزان در مدرسه توجه و اعتماد است در این باره مشارکت کننده ای می گوید: "هرچقدر آدم با دانش آموز رفتار دوستانه باشد میزان اعتماد وی بهتر جلب می شود و به راحتی می تواند اهداف آموزشی را پیش ببرد. همچنین با شنیدن مشکلات دانش آموزان نیز اعتماد دانش آموزان بیشتر می شود".

۲-۵- رفتار اثربار عاملان آموزشی

طبق تجربیات مشارکت کننده ای، زمانی رفتار منابع انسانی مدرسه در یادگیری و رشد اثربار است که در زمان مساعد و با روشنی باشد که دانش آموزان نسبت به آن احساس راحتی کنند. بر همین اساس هر نوع رفتاری از آن ها می تواند بر نوع تعامل آن ها موثر باشد. نظر یکی از مشارکت کننده ای در این مورد به این شرح بود: "خوبی...! به نظر من بچه ها از مدیر... از معاون... از معلم... خوبی الگو می گیرند. یعنی سعی می کنند شیوه یکی باشند. من این طوری فکر می کنم، حالا ممکنه الگو شون از بین معلمها باشند... ممکنه مدیر باشند... ممکنه معاون باشند. احتمال طبیعت دانش آموز را این طوریه".

۳-۵- تأثیربخشی برنامه های آموزشی مدرسه بر دانش آموزان

نظرات مشارکت کننده ای نشان می دهد که برنامه های آموزشی می توانند در دانش آموز نگرش مثبت نسبت به مدرسه ایجاد کند و مشوق این فایده های نویز در طیف وسیعی از فرایندها نه فقط در محدوده آموزش رسمی، بلکه در انواع یادگیری آنان باشد. در مدرسه برنامه های مختلفی به ویژه در مناسبت ها اجرا می شود، برنامه های با اهداف مشخص و غنی علاوه بر برنامه های آموزشی بر نگرش دانش آموزان و به تبع آن بر رفتارشان مؤثر هستند.

درس آموخته پنجم، برنامه توسعه مدیران مستلزم توجه به این موارد است:

- (۱) مفیدترین چیزی که می توان به دانش آموزان داد، درگیر شدن در همه برنامه های مدرسه از طریق ارتباط منطقی است.

(۲) بسط فرصت‌هایی که عاملان آموزشی به آن به عنوان فرصت‌های خاص یادگیری می‌نگرند به کمک برنامه‌های آموزشی امکان پذیر است.

(۳) تجربیات خاص طراحی شده مطابق با طبیعت زندگی آموزشی در مدرسه، منابع انسانی را الگوی ویژه دانش آموزان قرار می‌دهد.

ب- میدان-آموخته‌های توسعه مدیریت آموزشی هم راستا با فرهنگ سازمانی بوروکراتیک

در مدرسه یا میدانی که در آن هیئت کلان غیرمشارکتی یا بوروکراتیک غالب است و معلمان و مدیران، این وجه را دریافت‌هاند، ویژگی‌هایی

وجود دارد که در این بخش، ضمن بازگویی آن، تحلیل کاربرد هر ویژگی در توسعه مدیران آموزشی به صورت ۳ درس آموخته ششم، هفتم، و

هشتم برگرفته از میدان ارایه شده است.

۶- تعدد قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های انضباطی در مدرسه

مدیریت آموزشی دارای کارکردهای پیچیده‌ای است که بسیاری از آن‌ها به کمک قوانین و مقررات «اجرایی» می‌شود. اجرایی شدن وظایف مدیریتی از طریق و با واسطه قوانین و مقررات، در همه ارکان مدرسه از جمله در روابط بین منابع انسانی آن اهمیت دارد. به همین دلیل لازم است تا همه منابع انسانی و حتی دانش آموزان و والدین، آموزش‌های لازم را در خصوص این مقررات و دستورالعمل‌ها، که بسیاری از آن انضباطی است، دریافت کنند. هر چند این آموزش‌ها، به خودی خود نمی‌تواند از پیچیدگی مدیریت آموزشی بکاهد. از دیگرسو باتوجه به سیستم متمرکز آموزش و پرورش کشور و ضرورت تعییت از بخشنامه‌های دولتی هرساله قوانین و مقررات زیادی به مدارس ابلاغ می‌شود. مشخص شدن تضمیمات خارج از مرزهای مدرسه زمینه تصمیم گیری فردگرا و هدف گرایی مدیریت آموزشی را ایجاد می‌کند. این وضعیت، میدان مدرسه را به محیطی برای پیروی از دستورات و دستورالعمل‌ها تبدیل کرده است و در عمل استعداد توسعه مدیریت آموزشی را گرفته است.

۶-۱- قانون گرایی در مدارس

مرور نشانگان برگرفته از «مشاهده» و نیز کدهای آشکار شده از «اصحابه»‌ها نشان می‌دهد که مدارس تحت تأثیر قوانین کلی آموزش و پرورش و قوانین درون مدرسه براساس تفسیر مدیر از بخشنامه‌ها اداره می‌شوند. این امر باعث شده است تا نوعی نظم کاذب و قانون گرائی بخشنامه محور یا مبتنی بر دستورالعمل‌ها، یا باید-بایده، بر مدارس حکم‌فرما باشد. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید: «برای یک جریان آموزشی یا پرورشی مثل یک راهنمایی، چندین بار بخشنامه ارسال می‌شود در حالی که برای مسائل مهم دیگر، نه! اختیارات لازم را به ما نمی‌دهند؛ از دیگر سو باید وقت کنیم که برای هر رویه آموزشی یک قانون وجود دارد؛ بسیاری از این قوانین در کار معلم اخلاق ایجاد می‌کند و عملانه نمی‌گذارد معلم کار خودش را انجام دهد. مثلاً برای رفتن به اردو، یا کارهای فوق برنامه آموزش و پرورش بخشنامه ارسال می‌کند تا رویه‌های آموزشی را کنترل نماید.»

۶-۲- تأکید بر قواعد انضباطی

بر اساس یافته‌های به دست آمده از میدان تحقیق روشن شد که برقراری انضباط به شکل افراطی می‌تواند از اثربخشی مدرسه کم کند و از خلاقیت معلمان در امور آموزش و یادگیری بکاهد. زمانی که تراکم دانش آموزان در کلاس به‌ویژه در مناطق محروم، بیشتر است انضباط نوعی اهرم فشار بر دانش آموزان است. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید: «با برقراری این نظم خشک امور آموزشی جلو می‌رود برخی از معلمان از رفتارهای دانش آموزان ناراضی هستند. البته باید بگوییم با تحمیل یک مجموعه شرایط، مدرسه کنترل می‌شود به همین دلیل به انضباط بیشتر/همیت داده می‌شود.» هر چه قواعد انضباطی برای رفتارهای دانش آموز و معلم در مدرسه تشدید شود، «میدان» برای یادگیری و رشد مدیر در نتیجه توسعه او، نامساعدتر می‌شود.

۶-۳- نظارت در کرانه‌ها

با توجه به تجربیات مشارکت کنندگان در برخی از مدارس، مدیران سعی در نظرارت از جنس کنترل بر دانش آموزان و معلمان دارند که این موضوع باعث نوعی واگرائی در ارتباطات بین معلم-مدیر شده و در نهایت نوعی جو بی‌اعتمادی و عدم مشارکت را ایجاد می‌کند. نظر یکی از مشارکت کنندگان در این باره چنین بود: «در مدرسه ما قدرت و اختیار زیادی نداریم چرا که مدیر بیش از حد بر امور معلمان نظارت دارد؛ معتقدام این نظارت بسیار آسیب‌زننده است چرا که نمی‌گذارد معلم کار خود را بکند. اول این که در سیستم دولتی آموزش و پرورش خلاقیت معلم تعریف نشده است و دوم این که بسیاری از مسائل آموزشی که بین معلم-دانش آموز باید حل شود مستقیماً مدیر هم وارد پیدا می‌کند بنابراین حضور مدیر و نظارت وی در بیشتر موارد کاذب است چرا که اجازه نمی‌دهد تعامل بین معلم-دانش آموز به خوبی برقرار شود.»

درس آموخته ششم. برنامه توسعه مدیران آموزشی نیازمند توجه به موارد زیر است:

(۱) در چارچوب قوانین و مقررات، مدیران به کلی گرایی و توجه به جنبه‌های کلیشه‌ای و مشترک با سایر مدیران هدایت می‌شوند؛

(۲) گرچه هر موج قوانین و مقررات به درک کلی و وظایف مدیر مدرسه افزوده است ولی فرصت تمرکز بر فعالیت های اصیل مدیریت آموزشی از او گرفته می شود.

(۳) هنگامی که تعیین کنندگی قوانین و مقررات از حالت مطلق خارج شود مدیران ترغیب می شوند آنچه را که از تجربه ها کسب کرده یا دریافت آن دارد ترجمه و تفسیر کنند؛ بهینه سازند؛ یا اینکه اصولاً شناخت و تسلطی نسبت بدانها پیدا کنند.

۷- شیوه رفتارهای مدیریتی در مدارس

نشانه استفاده نادرست از ابزار قدرت، می تواند رفتارهای تک روشهای در تصمیم گیری یا برخی از رفتارهای اقتدارگرا باشد که اعتماد معلمان را کاهش می دهد و در نهایت مشارکت آنان را پایین می آورد. در عمل، نظام آموزشی به روش غیر مستقیم، این شیوه های رفتاری را از مدیران آموزشی طلب می کند. این در حالی است که از مدیران آموزشی انتظار می رود، با عملکرد خود، بتوانند نظام موثر رهبری را در مدرسه پیاده و خود را به عنوان رهبر، معرفی کنند. چنانچه رهبر بودن زودتر از حد معمول و بدون تلاشی جهت ارائه این واژه در قالب تجارب موجود به مدیر عرضه گردد، این خطر وجود دارد که بی درنگ از دیدگاه مدیر این مسائل به عنوان روش های رشد و توسعه مدیریتی و نه عملکردهای مدیریتی تلقی شود (Bizzell, 2011).

۷-۱- فرد گرایی مدیر در اداره مدارس

تجربیات مشارکت کنندگان نشان می دهد که، به دلیل عدم پاسخگویی، کنترل بیشتر و حتی عدم اعتماد به سایر اعضای آموزشی، مدیران فرد گرایر عمل، و از ایجاد فضای همکاری و واگذاری اختیارات به دیگران خودداری می کنند. در این زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "مدیر در بسیاری از موارد خودش به تنها تی تصمیم می گیرد و در کل اجازه دخالت معلم را نمی دهد؛ حتی جائی که مساله مربوط به معلم - دانش آموز است. همین موضوع باعث می شود که یک فرهنگی در مدرسه حاکم شود که با رفتن یک مدیر هم چنان این فرهنگ تک روی ادامه داشته باشد. از دیگر سو نظر مدارسی از مدارسی این انتخاب زیاد خودخواهی می کند و این خودخواهی نمود خود را در همین تصمیم گیری های تک روشهای نشان می دهد."

۷-۲- رفتار قالب - یافته مدیر

با مرور نشانگان برگرفته از مشاهده در میدان پژوهش و مصاحبه با مشارکت کنندگان، مشخص می شود که، رفتار خشک مدیران و مشارکت کم کارکنان؛ کنترل شدید بر همه فعالیت های رایج مدرسه؛ و برخورد به شیوه خودکامه با زیر دستان، نشان از توجه زیاد به انبساط، رتبه و جایگاه سلسله مراتبی، و هدف زدگی مدیر دارد. این زمینه، میل به حداقل رساندن مسائل پیرامون شغل و یکسان سازی را فراهم می آورد که در این زمینه، توسعه مدیران آموزشی انجام نخواهد شد. نظر یکی از مشارکت کنندگان، که در یکی از مدارس دارای سمت مدیریتی بود، این گونه است: "خوب قبول می کنم که رفتار بسیاری از مدیران بسیار رسمی است دلیل اش این است که مدیر سعی دارد بین معلمان تفاوتی نگذارد؛ مدرسه یک نهاد است اگر رسمیت وجود نداشته باشد معلمان و دانش آموزان چنان کارکرد لازم خود را نخواهند داشت".

درس آموخته هفت. برنامه توسعه مدیران آموزشی نیازمند توجه به این موارد است:

(۱) مدیر مدرسه معمولاً در گیر وظایف تکراری مدیریتی می شود؛ در حالی که این قدرت را دارد که نه تنها فرصت رشد و یادگیری ایجاد کند بلکه بر بهینه سازی فرصت ها و ارائه راه حل های نو در مدرسه، تأثیر بگذارد.

(۲) خارج شدن از فضای امن مدیریتی مقدمه بحث و گفت و گو درباره فرست ها، مشکلات و مسائل مدیریتی را فراهم می کند که به بحث در مورد سیک ها، رفتارها و مهارت های مدیریتی منجر می شود.

(۳) افزایش آگاهی نسبت به مسائل و تعیین و تشرییح نیازها، نگرانی عدم کنترل کامل مدیر به مدرسه را کاهش می دهد.

۸- کیفیت ارتباطات اثربخش

روشن و شفاف شدن نقش افراد، تبیین انتظارات سازمانی، و ارائه توجه مطلوب به وظایف و فعالیت های سازمانی، می تواند میزان اثربخشی ارتباطات مدیر با اعضا را مشخص کند (Nongyao, 2017). سیک های رهبری با محوریت سیک های آمرانه، دستوری و عمودی باعث می شود، ارتباطات شغلی در بین کارکنان کاهش یابد؛ چرا که سیک های رهبری آمرانه و دستوری فرست بھبود ارتباطات سازمانی بین کارکنان را محدود می کند و اجازه تشکیل تیم های کاری را نمی دهد؛ در حالی که سیک های رهبری تحول آفرین بر پیوند و ارتباطات اثربخش بین کارکنان متکی است و بیان آزادانه نظرات و پیشنهادات و راه کارهای کارکنان در مورد رویه ها و فرایندهای انجام کار در سیک های رهبری ذکر شده وجود دارد (Herold et al, 2018).

ارتباط مؤثر، رابطه ای است که در آن، طرف مقابل، پیام مدیر را با حداکثر دقت ممکن دریافت و درک می کند. اغلب متخصصان ارتباطات بخش اصلی (و گاه تمام) مسئولیت ارتباط مؤثر را بر عهده ای ارسال کننده پیام می گذارند. البته این به معنای انکار اهمیت نقش دریافت کننده نیست، بلکه تاکیدی بر این امر است که فرستنده پیامها، مسئولیت دارد از همه‌ی توان خود برای افزایش اثربخشی ارتباط استفاده کند و به سادگی، بی توجهی یا بی دقیقی مخاطب را به بهانه‌ای برای کاهش اثربخشی ارتباط تبدیل نکند (Thanomwan and Kyu Ngang, 2017). آیا مدارس ما، زمینه مساعد برای توجه به ارتباطات سازمانی باز و رشد دهنده بین همه اعضا را ایجاد می کند؟

۱-۸- فرهنگ سکوت در بین ذی نفعان آموزشی

با دقت در تجربیات مشارکت کنندگان می توان گفت آزادی بیان بیشتر با اعلام نظرات و شکستن سکوت قرابت دارد از همین رو در تفاوت های فرهنگی جوامع نیز مشاهده می شود که در جوامعی که حقوق شهروندی افراد به رسمیت شناخته شده ابراز بیان خواسته ها، مطالبات و نیازها در قالب های مختلف مشروع و مورد قبول است. در مدرسه هم همین وضعیت مشاهده می شود. اگر مدرسه، حقوق ذی نفعان آموزشی در انجام کارها و واگذاری اختیارات مبتنی بر شایسته سالاری را به رسمیت بشناسد فرهنگ سکوت رواج نخواهد داشت. در این زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "در برخی موارد معلمان به علت رفتارهای قبلی مدیر، نظرات آموزشی خود را ارائه نمی دهند. دو دلیل عدمه دارد: اول این که بنظرشان ارائه نظرات چیزی را حل نمی کند، دوم این که نظرات شان برای مدیر، اهمیت ندارد. این باعث می شود نوعی سکوت و فرهنگ عدم تقدیم پذیری در مدرسه رشد کند. وقتی مدیر همین روند را می بیند بدین نتیجه می رسد که کارهای من همگی درست است و ایرادی وجود ندارد". به روشنی می دانیم که این گمان، بزرگترین مانع برای رشد و یادگیری و در نتیجه توسعه مدیران آموزشی است.

۲-۸- ارتباطات صحیح عاطفی

نظرات مشارکت کنندگان نشان می دهد، ارتباطات ضعیف و رواج فرهنگ سکوت در ارتباطات عاطفی-اجتماعی مدرسه خلل ایجاد می کند و یا حتی زمینه ایجاد ارتباط مناسب برای عوامل آموزشی را فراهم نمی سازد. چنین وضعیتی، توجیه ساده ای برای عدم شکل گیری اعتماد و سرمایه اجتماعی مدرسه است. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می گوید: "مدیر باید محروم معلم و معلم باید محروم دانش آموزان باشد فقط در همین حالت است که ارتباط عاطفی بین آن ها شکل می گیرد به نظرم چون ارتباط عاطفی شکل نمی گیرد دلسوزی نیز وجود ندارد و همه چیز در فرایندهای رسمی-اجرائی تعریف می شود و معلم هم با این ذهنیت که من هر روز ۴ الی ۸ ساعت در مدرسه هستم و این زمان باید به نوعی سپری شود باعث می شود ارتباط با مدیر و طرح مسائل مربوطه کم اهمیت شمرده شود".

درس آموخته هشت. برنامه توسعه مدیران آموزشی نیازمند توجه به این موارد است:

- (۱) توجه به زمان مناسب و در نظر گرفتن توانایی استفاده از بازخورد مدیر در فرایند مدیریت مدرسه می تواند فرصت های خاص یادگیری را به کمک ارتباط مناسب بسط دهد.
- (۲) با ایجاد زمینه ای ارتباط اثربخش، مدیر مدرسه می تواند وظایف شغلی را با آموزش تلفیق کند که برای ذی نفعان آموزشی جالب خواهد بود و از آن انگیزه خواهند گرفت.
- (۳) ارتباط مناسب فرصتی را برای مدیر مدرسه فراهم می کند تا به بررسی شغل خود بپردازد و جزئیات شغل خود را دریابد: این بهترین فرصت برای توسعه مدیریت آموزشی است.

بحث و نتیجه گیری

توسعه مدیران با استفاده از زمینه و فرهنگ موجود در هر جامعه و چالش هایی که در آن جامعه وجود دارد می تواند در نهایت نتایج قابل قبول تری را ارایه دهد. (Anderson, 2011; Crow, 2001; Greenfeild, 2016). از اوایل دهه ۱۹۹۰، محققان اظهار داشته اند که مدیران آموزشی جهت مدیریت اثربخش و هدایت دقیق آموزش و یادگیری به مهارت های رهبری بیشتری نیاز دارند. مهارت های موردنیاز برای چنین نقشی، با ارائه یک برنامه مكتوب قابل ارتقا نبوده، بلکه ترکیبی از یادگیری، مریبگری، و تمرين را می طلبد تا به نتایج دلخواه برسد. آنچه لازم است، دانش چگونگی بهترین ترکیب این رویکردها برای ارائه یک تجربه یادگیری جامع برای تأمین نیازهای مدیران آموزشی در مراحل مختلف شغلی است (Glatter, 2009).

از دیگر سو مسئولان نظام آموزشی همواره اذعان می کنند که مشکلات و چالش های مدارس باید در محیط مدرسه حل شوند. با این وجود در بیشتر مراکز، مدیران از توانمندی و اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند و ترجیح می دهند تا در قبال نتایج مسئولیتی متوجه آن ها نباشد. بر این اساس نتایج نشان می دهد که یکی از عوامل توسعه مدیران آموزشی ایجاد توازن بین مسئولیت و پاسخگویی آنان است (Leithwood et al., 2020 ; Hollinger, 2018). با وجود تغییرات فزاینده در مدیریت مراکز آموزشی، باز هم مدیران مدارس نقش پررنگی در انتخاب شیوه فعالیت خود دارند. این امر بیانگر آن است که شرایط کلان اجتماعی و سیاسی تنها بازیگران موجود در مدارس نیستند. بر این

اساس تقسیم وظایف بین بازیگران درگیر در حوزه آموزش و دادن میزان استقلال به مدیران آموزشی، باید به دقت و با مطالعات بیشتر مشخص گردد. مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که باید به مدیریت موسسات آموزشی با توجه به ویژگی‌های «میدان»، توجه ویژه‌ای شده و مز بین مسئولیت و پاسخگویی سازمان‌ها و افراد به صورت دقیق تعیین شود (Lewis and Kanji, 2020; Hollinger, 2018) و برنامه‌های توسعه و آماده سازی مدیران نیز نتایج چنین تحقیقاتی جدی گرفته شود.

در نتیجه در موسسات آموزشی بهویژه در مدارس، فرهنگ سازمانی نقش مهمی در کارکردها و مسائل مرتبط با مدیریت دارد. در پژوهش حاضر این قاعده کلی از زاویه خاص و متفاوت «توسعه مدیریت» مورد بررسی قرار گرفته است. از زاویه نگاه پژوهش‌گران، انطباق فرهنگ سازمانی با توسعه مدیریت آموزشی حائز اهمیت و حامل ارزش‌های دانشی بالا است.

توسعه مدیریت آموزشی به معنی توامندسازی مدیران برای بهبود عملکرد و انجام وظایف خود است از این‌رو، زمانی که مدیریت آموزشی به توسعه و بالندگی می‌رسد شاهد مجموعه‌ای از عملکردهای مثبت در محیط آموزشی خواهیم بود. پیش فرض تأیید شده این پژوهش آن بود که توسعه کارکردها و توامندی‌های مدیریت آموزشی در زمینه یا بستر فرهنگی صورت می‌گیرد که تسهیل گر توسعه باشد؛ اگر فرهنگ سازمان نتواند بستر مناسب فکری و عملی برای اجرای طرح‌های توسعه مدیریتی فراهم کند، هدف‌های مورد انتظار از آن طرح‌ها تحقق نخواهد یافت. فرهنگ سازمانی در همه نظامهای سازمانی از جمله در سازمان‌های آموزشی این استعداد را دارد که زمینه‌ساز خودکنترلی، شوق به نوآوری و ترویج خلاقیت شود. نکته‌ای که به طور معمول مورد توجه مدیران منابع انسانی و متخصصان توسعه منابع انسانی قرار نگرفته است، توجه به بستر فرهنگی توسعه مدیران است که نشانه‌هایی دال بر این ادعا را می‌توان در کم‌توجهی غیرمنتظره پژوهشگران این حوزه نسبت به لزوم انطباق برنامه‌های توسعه مدیران با فرهنگ سازمانی به منظور اثربخش ساختن برنامه‌ها، مشاهده کرد.

پژوهش حاضر با هدف تمرکز بر لزوم تطبیق فرایند طراحی و اجرای برنامه‌ی توسعه مدیریت آموزشی با ویژگی‌های «میدان»، یا زمینه فرهنگی به این نتیجه دست یافت که توسعه برآمده از زمینه می‌تواند هم به تحقق هدف‌های از پیش تعریف شده توسعه مدیران آموزشی کمک کند و هم ظرفیت‌های جدیدی، فراتر از شایستگی‌های مدیریت آموزشی فراهم سازد. پاسخ به دو پرسش پژوهش با هدف شناسایی میدان-آموخته‌ها به همراه برخی چالش‌های توسعه مدیریت آموزشی هم‌راستا با فرهنگ سازمانی دمکراتیک و بوروکراتیک رهنمودهایی برای مدیران و تصمیم‌گیرندگان آموزش جهت بهبود توسعه مدیران آموزشی در دو هیئت کلان مشارکتی و غیر مشارکتی منجر شد. جنبه‌های شناسایی شده، به شکل درس آموخته بیان گردید تا قابلیت بهره‌برداری آن برای مدیران منابع انسانی در سازمان‌های آموزشی، آسان‌تر باشد. اگر در تنظیم برنامه توسعه مدیران آموزشی فقط بر وجه آموزش مدیران به شکل بسته‌های وارداتی تأکید شود و توسعه مدیران بدون آگاهی و شناخت دقیق میدان یا زمینه فرهنگی که مدیران در آن عمل خواهند کرد صورت پذیرد، احتمال اثربخشی هر برنامه توسعه، در حد کمترین میزان خود خواهد بود. در چارچوب تعیین شده مقاله، چند مورد از مهمنترین این درس آموخته‌ها ذیل هیئت کلان مرتبط با ویژگی غالب فرهنگی (demokratik و burokratik) پیشنهاد می‌شود. هر مدیر توسعه منابع انسانی و به طور خاص، توسعه مدیران در سازمان‌های آموزشی باید به مشخصه‌های زیر در بستر فرهنگی توجه داشته باشد و برنامه توسعه چه در مرحله طراحی و چه اجرا را با ملاحظه آنها تنظیم کنند:

وضعيت روحیه گروهی

- زمینه مستعد مشارکت منابع انسانی واجد دانش تخصصی

- وضعیت انسجام و انتظام متعادل قواعد مرتبط با اداره امور آموزشی

- کیفیت نوآوری و ابتکار فردی در آموزش

- ملاحظه تأثیرپذیری دانش‌آموزان از رفتار عوامل آموزشی و برنامه‌های مدرسه

- میزان تعیین کنندگی قوانین و مقررات و تابعیت مدیر از آنان

- شبکه ارتباطات مدرسه

- وضعیت فردگرایی و رفتار اقتدارگرای مدیر

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج تحقیق که نشان‌دهنده نقش آفرینی انطباق فرهنگ سازمانی با توسعه مدیریت بود پیشنهادات قابل ارایه به مدیران و تصمیم‌گیرندگان آموزش و پرورش عبارتند از:

- ایجاد و توسعه فرهنگ همکاری متقاضی بر تعامل سازنده مدیر با معلمان در امور مربوط به بهبود یادگیری دانش‌آموزان که زمینه مساعدی را برای توسعه مدیریت فراهم می‌سازد؛

- آموزش مدیران مدارس برای زدودن بستر فرهنگی مدرسه از عواملی که در غنی سازی رشد و توسعه آنان از فرصت‌های یادگیری در میدان، اختلال ایجاد می‌کند.

پیشنهادهای پژوهشی

- مطالعه تطبیقی فرهنگ سازمانی موثر در توسعه منابع انسانی مدرسه در مدارس ابتدائی، راهنمایی و متوسطه؛
- شناسایی امتیازات مدیران آموزشگاهی دارای روحیه مشارکتی در توسعه مدیریتی؛
- شاخص‌های بستر فرهنگی موثر در توسعه مدیران در مدارس دارای فرهنگ مشارکتی.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این پژوهش با هدف رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، اقداماتی انجام شد. به منظور کسب رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان، پژوهش گر در ابتدای هر مصاحبه با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان اقدام به ضبط مصاحبه نمود. به منظور رعایت اصل رازداری نام خانوادگی و نام مدرسه محل کار ایشان در گزارشات منتشره از تحقیق فاش نمی‌شود و کاملاً محترمانه است. هم‌چنین در نگارش پژوهش، پژوهش گر اصول استناددهی و نقل قول‌ها را به طور دقیق و کامل مراعات کرده است.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر از سوی نویسنندگان مقاله تامین شد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Ahanchian, Mohammad Reza. (2014). Academic bureaucracy: issues and challenges. *Iranian Journal of Higher Education*, 5(4).
- Ahanchian, Mohammad Reza. (2018). An introduction to educational management. Tehran: Ney Publishing.
- Anderson, W. A., Banerjee, U., Drennan, C. L., Elgin, S. C., Epstein, I. R., Handelman, J., & Warner, I. M. (2011). Changing the culture of science education at research universities. *Science*, 331(6014), 152-153.
- Bush, Tony and Middlewood, David. (2013). Educational leadership and management, translated by Ahanchian, Mohammad Reza and Atighi, Mansoura. Tehran: Rushd Publications.
- Belias, D., & Koustelios, A. (2014). The impact of leadership and change management strategy on organizational culture. *European Scientific Journal*, 10(7).
- Bizzell, B. E. (2011). *Professional development of school principals in the rural Appalachian region of Virginia* (Doctoral dissertation, Virginia Tech).
- Bolam, R. (2002), 'Professional development and professionalism', in Bush, T. and Bell, L. (eds), *the principles and practice of educational management*, London, Paul Chapman Publishing.
- Cameron, K. S., & Quinn, R. E. (2011). *Diagnosing and changing organizational culture: Based on the competing values framework*. John Wiley & Sons.
- Cockburn, A. D. (2000). Elementary teachers' needs: Issues of retention and recruitment. *Teaching and Teacher Education*, 16(2), 223-238.
- Crow, G. M. (2001). School leader preparation: A short review of the knowledge base. *NCSL Research Archive*, 09-25.
- Gilley, A., Gilley, J. W., & McMillan, H. S. (2019). Organizational change: Motivation, communication, and leadership effectiveness. *Performance improvement quarterly*, 21(4), 7-94.
- Glatter, R. (2009). Let's look at Academies systemically. *Management in Education*, 23(3), 104-107.
- Greenfield, P. M. (2016). Social change, cultural evolution, and human development. *Current Opinion in Psychology*, 8, 84-92.
- Herold, D. M., Fedor, D. B., Caldwell, S., & Liu, Y. (2008). The effects of transformational and change leadership on employees' commitment to a change: A multilevel study. *Journal of Applied Psychology*, 93(2), 346.
- Hollinger, J. (2018). Recycling influences: exposure to childhood environmental education.
- Kwarteng, A., & Aveh, F. (2018). An empirical examination of organizational culture on accounting information system and corporate performance: Evidence from a developing country perspective. *Meditari Accountancy Research*.
- Larry, K. B. (2016). *Principal perceptions of the relationship between professional development designs and the qualities, proficiencies, and leadership skills required of West Virginia principals*. Marshall University.
- Lin, H. E., & McDonough III, E. F. (2011). Investigating the role of leadership and organizational culture in fostering innovation ambidexterity. *IEEE Transactions on engineering management*, 8(3), 497-490.

- Leithwood, K., Harris, A., & Hopkins, D. (2020). Seven strong claims about successful school leadership revisited. *School leadership & management*, 40(1), 5-22.
- Lewis, D., Kanji, N., & Themudo, N. S. (2020). *Non-governmental organizations and development*. Routledge.
- Lytvyn, A., Lytvyn, V., Rudenko, L., Pelekh, Y., Didenko, O., Muszkieta, R., & Żukow, W. (2020). Informatization of technical vocational schools: Theoretical foundations and practical approaches. *Education and Information Technologies*, 25, 583-609.
- Maiden, B., & Kinsey, S. (2016). Issues of control and conformity: Constructing identity through continuous Professional development. In *6th International Conference on HRD Research and Practice across Europe*.
- McChesney & Cross (2023). How school culture affects teachers' classroom implementation of learning from professional development. *Learning Environ Research*. <https://doi.org/10.1007/s10984-023-09454-0>.
- Meng, F., Wang, X., Chen, H., Zhang, J., Yang, W., Wang, J., & Zheng, Q. (2016). The influence of organizational culture on talent management. *Journal of Chinese Human Resource Management*.
- Moradian, Mahsa; Pourrashidi, Rostam; and Khodamoradi, Mohammad. (2016). Investigating the relationship between target market strategies and organizational culture in branches of Aindeh Bank in Ahvaz, *World National Conference on Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences, Shiraz, Islamic Azad University, Zarghan Branch - Shoshtar University of Applied Sciences*.
- Medford, J. & Brown, T. (2022). Newly appointed principals' challenges in learning and adjusting to school culture. *Heliyon*. Volume 8, Issue 9. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e10542>.
- Meng, J., & Berger, B. K. (2019). The impact of organizational culture and leadership performance on PR professionals' job satisfaction: Testing the joint mediating effects of engagement and trust. *Public Relations Review*, 4(1), 64-7.
- Mousavi, Zahra Sadat; Veisi, Gholamreza and Abgoli, Alireza. (2019). The role of organizational culture in promoting collaborative management in educational organizations, *the third international conference on accounting and management with the approach of modern research sciences, Tehran, Iranian Purple Communication Company*.
- Mirzamani Bafghi, Seyed Mahmoud; Faqih Aram, Betoul and Khalili, Reza. (2019). Analysis of the impact of school organizational culture components on students' academic success, *the second international conference on management, economy, and development, Tehran, Kian Pajohan Scientific Institute*.
- Mumford, M. D., Gessner, T. L., Connelly, M. S., O'Connor, J. A., & Clifton, T. C. (1993). Leadership and destructive acts: Individual and situational influences. *The Leadership Quarterly*, 4(2), 115-147.
- Nasiri Gole, Yadullah; Moradi, Hojatullah, Shokralehipour, Mojtabi and Taheri Sudjani, Ismail (2013). Organizational culture in the education system, *national conference of national and research approaches in humanities and management, Third Millennium Educational and Research Institute*.
- Nofarsti, Ali and Pourshafi, Hadi. (2012); Explaining organizational culture and knowledge management in educational organizations, opportunity or threat?, *6th Knowledge Management Conference, Tehran, Oil, Gas and Petrochemical Information Institute*.
- Nongyao., N. (2017). Discourse on migrant education policy: Patterns of words and outcomes in Thailand. Faculty of Education, Chiang Mai University, Thailand, pp 1-8.
- Prasertcharoensuk, T., & Tang, K. N. (2017). The effect of strategic leadership factors of administrators on school effectiveness under the Office of Maha Sarakham Primary Educational Service Area 3. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 38(3), 316-323.
- Parker, M. (1999). Organizational culture and identity: Unity and division at work. *Organizational Culture and Identity*, 1-272.
- Schleicher, A. (2012). *Preparing teachers and developing school leaders for the 21st century: Lessons from around the world*. OECD Publishing. 2, rue Andre Pascal, F-777 Paris Cedex 16, France.
- Sidi, Seyed Masoud; Shahidi, Sholah. (2014). The relationship between organizational culture and creativity and organizational change among the principals of elementary schools in one district of Shiraz. *A new scientific research quarterly in educational management*.
- Sumproch, E. W.; Doherty, & A. Neuijen, B. (2019). The influence of organizational culture job Satisfaction and intention to leave Sport Management Association of Australia and New Zealand. Newzland.
- Taheri, Morteza; Nazari, Neda; Ghiasi, Saeed. (2017). Organizational learning culture, managerial effectiveness, and psychological empowerment: predictors of learning in the workplace. *Journal of Education and Learning Studies*.
- Tan, B. S. (2019). In search of the link between organizational culture and performance: A review from the conclusion validity perspective. *Leadership & Organization Development Journal*.
- Taylor, C. R. (2008). A qualitative study of the perceived professional Development needs of principals. *A dissertation presented to the faculty of the curry school of education. University of Virginia*.
- Thanomwan, P . & Keow Ngang, T. (2017). The effect of strategic leadership factors of administrators on school effectiveness under the Office of Maha Sarakham Primary Educational Service Area 3. Pp 316-323.

- Thanomwan, P., & Buncha, P. (2014). Relationship between organization culture and sufficiency school management. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 796-801.
- van Driel, L. (2006). *Professionalisering in school: een studie naar verbetering van het pedagogisch-didactisch handelen* (Doctoral dissertation, University Utrecht).
- Warrick, D. D. (2019). Understanding, building, and changing organization cultures. *Lessons in changing cultures: Learning from real-world cases*, 9 (1). 1-16.
- Xie, Y., Xue, W., Li, L., Wang, A., Chen, Y., Zheng, Q., ... & Li, X. (2018). Leadership style and innovation atmosphere in enterprises: An empirical study. *Technological Forecasting and Social Change*, 13, 27-26.
- Yong, C. (2023). Influence of principal leadership across contexts on the science learning of students. *Asia Pacific Education Review*. <https://doi.org/10.1007/s12564-023-09828-2>.
- Zakaei, Saeed. (2002). Theory and method in qualitative research. *Social Science Quarterly*. 12 (2).

